



هولوکاست برای صهیونیست‌ها مقدس تر از دین یهود است 2

هولوکاست و داستان‌های پیرامون آن، وجه تاریخی خود را از دست می‌دهند و به موضوعی مقدس و غیرقابل طرح و بحث تبدیل می‌شود. تا آنجا که هرگونه سؤال و تشکیک موجب پیگرد دولت‌ها قرار می‌گیرد. در واقع، هولوکاست به قدس‌الاقداص و دین جدید غرب تبدیل می‌شود.

رمزگشایی از معمای آشویتس به روایت محقق ایتالیایی-۲
هولوکاست برای صهیونیست‌ها مقدس تر از دین یهود است

هولوکاست و داستان‌های پیرامون آن، وجه تاریخی خود را از دست می‌دهند و به موضوعی مقدس و غیرقابل طرح و بحث تبدیل می‌شود. تا آنجا که هرگونه سؤال و تشکیک موجب پیگرد دولت‌ها قرار می‌گیرد. در واقع، هولوکاست به قدس‌الاقداص و دین جدید غرب تبدیل می‌شود.

به گزارش خبرگزاری فارس، اردوگاه کار اجباری آشویتس در زمان آلمان نازی، به ادعای مدافعان هولوکاست، مرکز اصلی کشتار یهودیان بوده و به همین دلیل در فهرست یونسکو نیز به ثبت رسیده است. کارلو ماتونیو پژوهشگر ایتالیایی و از منتقدان هولوکاست، در کتابی دو جلدی با نام "آشویتس؛ پرونده‌ای در دفاع از عقلانیت" به اثبات نادرست بودن ادعاهای مربوط به اردوگاه آشویتس پرداخته و اثر خود را به دلیل استدلال‌ات و شواهد ارائه شده، عقلانی‌ترین تحقیق در مورد آشویتس و هولوکاست می‌داند. خبرگزاری فارس ترجمه این اثر را با ویرایش خبری طی سلسله گزارش‌هایی برای مخاطبان خود فراهم آورده است.

* مباحث پیرامون هولوکاست؛

می‌شود؛ توان از هولوکاست-حتی نسخه تجدیدنظرطلبانه‌اش، که همچنان مملوء از وحشت از آزار و اذیت اقلیت‌های مذهبی است- در راستای اهداف آموزشی مثبت استفاده کرد و به مردم آموخت تا نسبت به افرادی که دارای گذشته قومی، فرهنگی، مذهبی، سیاسی یا فلسفی متفاوتی با آن‌ها هستند، صبور باشند، اما عملاً از آن تنها برای ایجاد تنفر و بی‌اعتمادی میان یهودیان بطور کلی نسبت به غیریهودیان و به طور خاص نسبت به آلمان‌ها (و در ابعادی وسیع‌تر: اروپایی‌ها و مسیحیان) و نیز فلسطینیان (و در ابعادی وسیع‌تر: عرب‌ها و مسلمانان) استفاده می‌شود.

این "هولوکاست" که ریشه در باوری رایج و غالب دارد، نوعی بدبینی در نتیجه، نوعی فضای بسته ذهنی در یهودیان عصر جدید ایجاد کرده، که با تمام توان آن‌ها را از بقیه دنیا جدا می‌کند. چنانچه یهودیان بخواهند بر این بدبینی چیره شوند، باید خود را از این چارچوب بسته فکری رها سازند.

ما نیز نخست بینش مشابهی داشتیم. سپس دریافتیم که این نسخه از "هولوکاست" که برای مقاصد آشکار سیاسی، ما را در تنگنا قرار داده است، شاید اصلاً مبتنی بر واقعیت نباشد. بنابراین مطالعه‌ی کتاب‌های علمی درباره‌ی "منکران هولوکاست" و هر کتابی که به قلم آن‌ها نوشته شده باشد را شروع کردیم تا بدین روش موضعمان را خودمان مشخص کنیم.

* پرساک: هولوکاست، محکوم به شکست است

و اکنون موضعمان را مشخص کرده‌ایم؛ چرا که دیگر به ابزارهای مورد نیاز برای کم‌تر کردن سلاح روانی اعجاب‌برانگیز جنگ‌افروزان و برای آزادسازی یهودیان از چارچوب بسته مدرنشان دست یافته‌ایم؛ این ابزارها همانا حقیقت و دقت در تاریخ‌نگاری هستند.

و با توصیف مورخ فرانسوی پروفیسور دکتر میشل دو بوآرد[1] در سال 1986 از نسخه جریان رایج هولوکاست (مجموعه مصاحبه‌های لویی[2] 1988) نیز کاملاً موافقیم:

"این تاریخچه تا مغز استخوان پوسیده است" و چهارده سال بعد نیز، ژان کلود پرساک[3]، که زمانی گل سرسبد پایه‌گذاری هولوکاست بود، به همین نتیجه رسید:

"دیگر خیلی دیر شده. [...] دیدگاه کنونی جهان [سوسیالیست ملی] نسبت به اردوگاه‌ها، هرچند پیروز، ولی محکوم به شکست است. چه میزان از این دیدگاه را می‌توان از خطر نابودی حفظ کرد؟ تنها اندکی از آن را."

ما را هر چه می‌خواهید بنامید، "یهودی‌ستیز"، "نئونازی" یا حتی بعضی از ما را "بیزار از هویت خود"[4]. چنین اهانت‌های پوچی دیگر در ما اثری ندارد، چرا که به چشم خود دیده‌ایم؛ محققان تجدیدنظرطلب چه مشقت‌هایی را باید تحمل کنند. با تمام این اوصاف، ما همان صلح‌طلبانی باقی می‌مانیم که همیشه بوده‌ایم؛ و در برابر جنگ‌افروزان

می‌شود؛ ایستیم، حال می‌شود؛ خواهند امپریالیست باشند، یا استعمارگر، ناسیونالیست، صهیونیست، مسیحی، مسلمان، یهودی، ضد-تجدیدنظرطلبی، یا اصلاً بدون عنوان.

* درباره مجموعه پیش رو

پس از آن که گرمار رودلف [5] به خاطر ویرایش این مجموعه، در سال 2005 توسط دولت آمریکا به طور غیرقانونی دستگیر و به زادگاهش آلمان تبعید و متعاقباً در آن جا محاکمه و به حبس محکوم شد، این دومین کتاب از مجموعه رساله‌های هولوکاست به ویرایش ما است. این مجموعه بدون شک اهمیت بسیاری دارد، و چه گواهی بهتر از این که آشکارا برای قدرت‌های حاکم تهدیدی تلقی می‌شود؟

این مجموعه با افتخار مدعی است که تنها اثر در نوع خودش در کل جهان بوده و سزاوار است که آن را "آکادمیک"، "دانشمندانه" و "علمی" بنامیم، زیرا تنها چنین پژوهش‌هایی، که در برابر فشارهای خارجی برای رسیدن به نتیجه‌گیری‌های خاص مقاومت کرده‌اند، می‌توانند مدعی علمی بودن باشند. از این بُعد، این مجموعه بدون شک گام بسیار مهمی برداشته است، چون به‌واقع تنها مجموعه در این حوزه است که توانسته در برابر فشارهای سنگین قدرت‌های حاکم تاب بیاورد.

از اواخر دهه 20، پروفسور دکتر رابرت جان ون پلت [6] پرچم‌دار می‌شود؛ این قدرت‌ها در دفاع از حقانیت افسانه‌هایشان، و در نتیجه در توجیه جنگ‌های امپریالیستی‌شان و حمایت از آزار ناراضیان سیاسی بوده است.

در تأیید ادعای بالا، اکنون سخنی را از خود پروفسور ون پلت، موضوع اصلی این کتاب، نقل می‌کنیم. در سال 1999 ون پلت خودش را برای رویارویی با دیوید ایروینگ [7] مورخ انگلیسی در دادگاه آماده می‌کرد تا اندیشه‌های (نسبتاً) تجدیدنظرطلبانه ایروینگ را رد کند. در سال 1988 فرد ای. لوختر [8]، که در آن زمان متخصص ساخت و نگهداری تجهیزات شکنجه بود، برای یک پرونده‌های دادگاهی در کانادا گزارشی تهیه کرد. ایروینگ نیز پس از باخبر شدن از می‌شود؛ گزارش لوختر [9] وارد مقوله‌های تجدیدنظرطلبی شد. لوختر، پس از بازبینی تجهیزات مربوطه در لهستان، در گزارش خود اعلام کرد که اتاق‌های گاز کشتار جمعی ادعا شده در آشویتس و مایدانیک [10] نمی‌شود؛ توانستند چنین کارکردی داشته باشند. و ناگفته پیداست که این حرف به مذاق قدرت‌های حاکم خوش نیامد.

* رابرت ون پلت، مأمور بهبود وجهه هولوکاست

پروفسور ون پلت برای نجات منافع خاص این قدرت‌های حاکم در اواخر قرن بیستم، و پس از تلاش‌های متعدد دیگر برای دور ماندن از گزند تجدیدنظرطلبی، وارد میدان شد. او در سال 1999 در مصاحبه‌ای در رابطه با تجدیدنظرطلبی اینگونه پاسخ داد:

"رد هولوکاست برای من بسیار منجرکننده است، و برای این که هنگام سر و کله زدن با لوختر حالم به هم نخورد، به خودم می‌گفتم خیلی خب، من قرار است مقدمات محکومیت و زندانی شدن او را آماده کنم."

* آشویتس؛ قدس الاقداس یهود

همین حرف، خود حاکی از آن است که ون پلت به وضوح از نظر شخصیتی قادر به برخورد بی‌طرفانه و به دور از عواطف شخصی با نظرات مخالف نمی‌باشد، چرا که حالش را بهم می‌زنند. و همین کافی است تا از مقام یک کارشناس رد صلاحیت شود. ولی این تمام ماجرا نبود. ون پلت در ادامه گفت:

"آشویتس مثل قدس الاقداس است. من سال‌ها درگیر آماده کردن خودم برای ورود به آن بودم و حالا یک احمق [لوختر]، بی مقدمه، وارد آن شده. این هتک حرمت است. او قدم به قدس الاقداس می‌گذارد و هیچ احترامی هم برای آن قائل نیست."

برای ون پلت و آن‌هایی که با او هم نظرند، آشویتس و هولوکاست موضوعاتی این‌دنیایی نیستند که بتوان آن‌ها را مانند هر موضوع دیگری به چالش کشید، بلکه دارای بُعدی مذهبی و مقدس‌هایشان و بنابراین نباید آن‌ها را به چالش کشید. این

نیز دوباره او را از ژست گرفتن در مقام یک کارشناس این قبیل موضوعات، رد صلاحیت می‌shy& کند. ون پلت افزود:

"کوره‌shy& جسدسوزی شماره دو مرگبارترین ساختمان آشویتس است. در فضای 2500 فوت مربعی این اتاق، بیش از هر مکان دیگری روی این کره خاکی انسان‌هایی جان خود را از دست دادند. 500 هزار نفر در این ساختمان کشته شدند. اگر قرار بود نقشه‌shy& ای از درد و رنج بشری کشیده شود، اگر قرار بود جغرافیایی از شقاوت ایجاد شود، این مکان بدون شک مرکز آن می‌shy& بود."

* آشویتس؛ قدس‌الاقداص یا مرکز شقاوت؟

بنابراین برای ون پلت، مقدس‌shy& ترین مکان‌shy& ها، همان مرکز قطعی شرارت و شقاوت می‌shy& شود. این چگونه دینی است که نمادهای شرارت محض را وارونه جلوه می‌shy& دهد؟ و اما نقطه‌shy& اوج بینش ون پلت تازه اینجا نمایان می‌شود:

"اگر ثابت می‌shy& شد تجدیدنظرطلبان هولوکاست درست می‌shy& گویند، ما درکمان را از جنگ جهانی دوم و از ماهیت دموکراسی از دست می‌shy& دادیم. جنگ جهانی دوم یک جنگ اخلاقی بود؛ جنگ میان خیر و شر. از این رو، اگر هسته‌shy& آن را، که بدون شک آشویتس است، از این تصویر خارج سازید، هر آن چه باقی می‌shy& ماند نیز معنای خود را از دست می‌دهد و همگی از دیوانه‌خانه سر درخواهیم آورد."

بینش ون پلت این بود: جنگ جهانی دوم جنگ حق علیه باطل بود، یک جنگ اخلاقی؛ و هولوکاست هسته اصلی آن جنگ بود.

برای هر کسی که تنها تا حدی نسبت به اندک حقایق اساسی درباره جنگ جهانی دوم آشناست نیز روشن است که این ادعاها از اساس غلط‌shy& اند. ولی افرادی همچون ون پلت تصمیم خود را گرفته‌shy& اند و دیدشان را نسبت به جهان انتخاب کرده‌shy& اند، و حتی سلامت روانی خود را به این افسانه متکی ساخته‌shy& اند. پس هیچ جای تعجب نیست که تجدیدنظرطلبی این گونه افراد را تا سرحد جنون می‌کشانند.

توضیحات:

[1] . Michel de Board

[2] . Lebailly

[3] . Jean-Claude Pressac

[4] . Self-hating Jews: این لقب برای تحقیر یهودیانی بکار می‌رود که سبک زندگی و اعتقادات متفاوتی با اکثریت یهودیان دارند و منتقد هولوکاست نیز هستند.

[5] . Germar Rudolf

[6] . Robert Jan van Pelt

[7] . David Irving

[8] . Fred Leuchter Jr

[9] . Leuchter Report: گزارش لوختر در مورد هولوکاست، مشاهدات و آزمایشات لوختر در بازدید از تأسیسات اردوگاه‌های کار اجباری می‌باشد. وی در این گزارش هرگونه کشتار با گاز را از نظر فنی رد می‌کند و متذکر می‌شود که با تأسیسات موجود، کشتار 6 میلیون نفر باید بیش از 35 سال بطول می‌انجامید.

[10] . Majdanek

